

تاریخ وصول: ۹۱/۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۰۸

فرایند برجسته‌سازی در بی‌بی‌سی فارسی؛ تحلیل روایت برنامه‌های کوک، صفحه دو و آپارات

۸۳
فصلنامه مطالعات

قدرت نرم

فرایند برجسته‌سازی در بی‌بی‌سی فارسی: تحلیل روایت برنامه‌های کوک، صفحه دو، آپارات

مجید سلیمانی ساسانی و همکاران

۱* مجید سلیمانی ساسانی

۲ علی اسکندری

۳ رامین چاپکی

۱. دانشجوی دوره دکتری رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دوره دکتری رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دوره دکتری رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

شرایط حاکم بر نظام جهانی در دهه‌های اخیر به سمتی رفته است که میزان و تعامل کشورهای جهان با نحوه بکارگیری ابزار دیپلماسی آنها ارتباط مستقیمی پیدا کرده است. وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماتیک مکانیسمی را برای دولت‌ها فراهم نموده تا با استفاده از آن به اعمال قدرت نرم در عرصه عمل اقدام ورزند. بنگاه سخن پراکنی بریتانیا (BBC) نیز از این امر مستثنی نبوده و حسب گفته‌ی وزارت خارجه بریتانیا یکی از محورهای اساسی کنونی دیپلماسی عمومی این کشور به حساب می‌آید. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مقاله حاضر در پی آن است که با تحلیل موردی روایت در برنامه‌های کوک، صفحه دو و آپارات شیوه‌های برجسته‌سازی و انتشار موضوعات خبری در شبکه بی‌بی‌سی فارسی را نشان دهد. «تحلیل روایت» یکی از شیوه‌های تحلیل کیفی متون ارتباطی محسوب می‌شود که میراث مطالعات ادبی است و بر این مسئله تاکید دارد که هر امر واقعی در زندگی، دارای روایت‌های متعددی است که با توجه به روایتگر آن، گرایش خاصی را بیان می‌کند. مسئله تحلیل روایت در متون خبری و گزارشی رسانه‌ها می‌تواند به روشنی نشان دهد که رسانه‌های غربی چگونه با استفاده از تکنیک‌های روایت در خبر به دنبال دستیابی به اهداف خود هستند.

واژگان کلیدی: رسانه‌ها، برجسته‌سازی، تحلیل روایت، بی‌بی‌سی.

Email: majsoleimani@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:

مقدمه

در دنیای کنونی تسلط بر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها، قدرت عظیم و فوق العاده ای را در اختیار بازیگران عمده صحنه سیاست یعنی دولت‌ها قرار داده است به گونه ای که به خوبی با به کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی توانسته اند به تغییر باورها و نگرش‌های جمعی یا شکل‌دهی به افکار عمومی ملی یا فراملی اقدام کنند. "این پدیده منجر به بروز پدیده ای در سطوح ملی یا بین‌المللی می‌شود که می‌توان آن را «استبداد اطلاعاتی»^۲ نامید." (عیوضی، ۱۳۸۷: ۴۵)

از سویی رسانه‌های امروزی نقش بسزایی را در پیشبرد برنامه‌های مختلف دولت‌ها داشته و استفاده به موقع از توان این ابزار می‌تواند میزان کارایی دولتمردان را در اجرای سیاست‌هایشان افزایش دهد. امروزه به دلیل قرار گرفتن «رسانه‌ها» در فهرست «عناصر قدرت» و در کنار عواملی نظیر اقتصاد، تسلیحات، نیروی انسانی شاهد حضور همه‌جایی مجازی رسانه‌ها هستیم. (ضیایی پرور، ۱۳۸۶: ۲۶)

تلویزیون بی‌بی‌سی نیز از این مهم مستثنی نیست، این شبکه با برخورداری از شناخت کافی نسبت به حساسیت‌ها و مشخصات اقلیم جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی با اتخاذ سیاست به اصطلاح بی‌طرفی به عنوان یکی از بال‌های دیپلماسی عمومی بریتانیا شناخته شده و بر این اساس سعی در به نتیجه رساندن اهداف مد نظر دارد؛ لذا با تعیین اولویت‌های فکری و ذهنی، به دنبال ایجاد فرهنگ همگرا در نقاط مختلف دنیا است، زیرا اولویت‌های فرهنگی ملل، پیش از این با اولویت‌های رسانه‌های بیگانه دچار تغییر و تحول شده است و انسان غربی با ایجاد نوعی سلطه رسانه‌ای و فرهنگی، به دنبال تحکیم سلطه‌گری خود است.

² Information despotism.

امروزه تحولاتی همچون فضای سایبر نیز نه تنها عدالت رسانه‌ای را برقرار نکرده، بلکه تنها موجب تشدید فرهنگ رسانه‌ای شرکت‌های چند ملیتی و دولت‌های تمامیت‌خواه شده است. زیرا اولویت‌های عمده و اصلی توسط همان غول‌های رسانه‌ای سابق تعیین می‌شود و کاربران اینترنتی تنها کارگران بی‌مزد و موجب تشدید فرهنگی همان اولویت‌ها هستند.

نگارنده معتقد است که گفتمان انقلاب اسلامی، تنها نقطه امید در راه مقابله در برابر این دستگاه پیچیده رسانه‌ای است که تاکنون، با نوید توحید و فطرت انسانی توانسته است نگاهی متفاوت از فرهنگ توده‌ای موجود ابراز دارد. از این رو، رسانه‌های کاپیتالیستی نظام سلطه، با ایجاد شبکه‌ای از برجسته‌سازی‌ها و روایت‌ها به دنبال تقابل رسانه‌ای با گفتمان انقلاب اسلامی بوده‌اند که این مسئله تاکنون ادامه داشته است. لذا در این تحقیق در پی آنیم تا نشان دهیم رسانه‌های غربی چگونه با استفاده از تکنیک‌های روایت در برنامه‌های تولیدی به دنبال دستیابی به اهداف خود هستند.

چارچوب نظری

تاکنون نظریات انتقادی متعددی در زمینه انتشار و جریان یک‌سویه اخبار در میان رسانه‌ها منتشر شده است. به طوری که می‌توان گفت که جریان انحصار خبری، یکی از مهمترین دغدغه‌های پژوهشگران حوزه‌های ارتباطی بوده است. «یورگن هابرماس» از دستکاری افکار عمومی توسط رسانه‌های جمعی سخن می‌گوید. «هربرت شیلر» اعتقاد دارد وسایل ارتباط جمعی آمریکا به تصرف مغزها و قلب‌ها می‌پردازد. «ژان دارسی»، جامعه‌شناس فرانسوی به ماهیت عمودی و ناعادلانه جریان اخبار و اطلاعات می‌پردازد (شکرخواه، ۱۳۸۱) و «لزلی اسکلیپر» از «امپریالیسم فرهنگی و رسانه‌ای» سخن به میان می‌آورد و معتقد است که

«ارزش‌ها و باورهای جوامع قدرتمند به گونه‌ای استثمارگرانه بر جوامع ضعیف تحمیل می‌شود» (اسکلیر، ۱۳۸۱: ۱۹۰). «حمید مولانا» نیز هرچند انقلاب اسلامی ایران را زمینه‌ساز تحولات عمده در شکست انحصار رسانه‌ای می‌داند، اما تاکید می‌کند که محصولات رسانه‌های غربی، «به تخریب ارزش‌های ملی و مذهبی و سنتی پرداخته» و «آثار تخریبی سوئی داشته است» (مولانا، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

صد البته این‌گونه اظهار نظرها به این موارد ختم نمی‌شود و موارد متعدد دیگری را می‌توان ذکر کرد. اما آنچه که در این زمینه هویداست، اجماعی است که در این زمینه در میان صاحب‌نظران وجود دارد. در میان تحلیل‌های انتقادی در زمینه رسانه‌ها، مسئله انتشار و جریان انحصاری اخبار نیز بسیار توجه واقع شده است. در این زمینه نیز سه مدل کلی برای جریان اخبار ذکر شده است: ۱- مدل «مرکز- پیرامون» که به وسیله «یوهان گالتونگ» که اعتقاد دارد رویدادهای مربوط به مرکز یا کشورهای پیشرفته از مرکز ثقل بیشتری در مطبوعات جهان برخوردار است و حجم تبادل خبر میان مرکز با پیرامون با حجم تبادل خبر میان خود ملل مرکز، تفاوت چشمگیر دارد که این مسئله منجر به ظهور امپریالیسم فرهنگی و امپریالیسم ارتباطی می‌شود. ۲- مدل «شمال- جنوب» که بیان می‌کند جریان خبر بین شمال قوی و بین جنوب ضعیف است. در این مدل، جریان خبر یک جریان عمودی است و سیر حرکت اخبار از شمال (کشورهای صنعتی) به سمت جنوب (کشورهای در حال توسعه) قابل مشاهده است. این مدل تاکید می‌کند که رویدادهای جنوب نیز از دیدگاه شمال در میان جنوب تفسیر و تحلیل می‌شود و جنوب، اخبار خود را هم از دیدگاه شمال منتشر می‌سازد. ۳- مدل «مثلثی» است که در آن شمال به دو بخش شرق و غرب عمدتاً به اخبار مناطق ژئوپولیتیک مورد نظر خود پرداخته، در حالیکه سهم عمده اخبار خارجی در رسانه‌های جنوب متعلق به خبرهای شرق و غرب است. لذا تصویری که جریان خبری شمال از جنوب ارایه می‌دهد حاکی از ابدی نشان دادن خشونت و بی‌نظمی در جهان

سوم است. در جریان خبری شمال به پیشرفت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهان سوم توجهی نمی‌شود (شکرخواه، ۱۳۸۱ و اسکلیز، ۱۳۸۱).

در تحلیل مدل‌های ارائه شده جریان انحصاری اخبار می‌توان گفت که هرچند که امروزه با شکل‌گیری فضای سایبر، کوچکترین اجتماعات مجازی توانسته است به بیان نظرات و عقاید خود در بستر رسانه‌ای اینترنت پردازد، اما با مشاهده تولیدات متعدد رسانه‌ای در فضای سایبر نیز متوجه می‌شویم که این تولیدات نیز معطوف به اخبار برجسته‌شده از سوی رسانه‌های خبری انحصاری است. در واقع، تولیدکنندگان محتوا در اینترنت نیز از آنجا که دسترسی خاصی به منابع خبری و هزینه‌های تولید خبر و گزارش ندارند، تنها به بازنشر روایت‌های خبری رسانه‌های انحصاری می‌پردازند. جریان‌های مخالف نیز با توجه به امکانات خود تاثیرگذاری بسیار کمی در فضای سایبر دارند. همانطور که بعداً نیز در این مقاله ذکر خواهد شد، تولید محتوا در اینترنت نیز گرایش بسیار زیادی به دغدغه‌های رسانه‌های متمول غربی مانند بی بی سی دارد. به طوری که بسیاری از سامانه‌های اینترنتی به بازنشر محتوای این گونه از رسانه‌ها پرداخته‌اند و آمار انتشار موضوعات خبری مورد نظر رسانه‌های غربی در موتورهای جستجوی اینترنتی مؤید این مطلب است. در واقع می‌توان گفت که فضای سایبر در تشدید «برجسته‌سازی» اخبار مورد نظر به رسانه‌های غربی کمک شایانی می‌کند. برجسته‌سازی یکی از مهمترین فعالیت‌های بارز رسانه‌ها در انتشار اخبار است که توجه بسیاری از محققان عرصه ارتباطی را به خود جلب کرده است. نظریه برجسته‌سازی بیان می‌کند که شاید مطبوعات و رسانه‌ها در اغلب اوقات، موفق نشوند به اشخاص بگویند که «چگونه» فکر کنند، اما با تأثیر فوق‌العاده‌ای که بر آنها دارند می‌توانند بگویند که به چه چیز باید فکر کنند (لازار، ۱۳۸۵). «ایدئولوژی رسانه‌ها» یکی از مهمترین عناصر مهم در فرایند برجسته‌سازی اخبار است (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴) که تقریباً نمی‌توان آن را کتمان کرد. هرچند که

بسیاری از رسانه‌ها با ژستی بی طرفانه سخن از «ایدئولوژی زدایی» بگشایند. این مقاله نیز درصدد نشان دادن این مسئله است که باورهای ایدئولوژیک رسانه‌های غربی علی رغم ادعای مکرر، یکی از مهمترین عناصر برجسته‌سازی و روایت اخبار است. از سوی دیگر می‌توان گفت که شناخت «فرایند برجسته‌سازی» در تحلیل روایت اخبار، نقش مهمی را ایفا می‌کند. فرایندی که «گلا دیس انگل لنگ» و «کورت لنگ» آن در در ۶ مرحله تقسیم کرده‌اند:

- ۱- اهمیت رویدادها: مطبوعات بعضی رویدادها یا فعالیت‌ها را پراهمیت و آنها را بارز می‌سازند.
- ۲- پوشش متفاوت: موضوعات متفاوت برای جلب توجه، به نوع و میزان پوشش متفاوتی نیاز دارند.
- ۳- موضوعات قالب‌دار: رویدادها و فعالیت‌های مورد توجه باید قالب‌دار باشند یا باید حوزه‌ای از معانی به آنها داد به طوری که قابل فهم شوند.
- ۴- زبان: زبان مورد استفاده رسانه‌ها می‌تواند بر درک اهمیت موضوع اثر بگذارد. مثلاً چرخش از اشاره اولیه «کاری غیر اخلاقی» به واژه «افتضاح»، اهمیت بیشتری به موضوع می‌دهد.
- ۵- نمادهای ثانویه: رسانه‌ها، فعالیت یا رویدادهایی را که مورد توجه عموم قرار گرفته‌اند به نمادهای ثانویه وصل می‌کنند که موقعیت آنها در منظر سیاسی به خوبی قابل تشخیص است.
- ۶- اظهارات اشخاص: هنگامی که اشخاص معروف و معتبر راجع به موضوعی صحبت می‌کنند، فرایند برجسته‌سازی شتاب پیدا می‌کند (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: صص ۳۴۸-۳۴۹).

همانطور که بعد از این و در «الگوی لبوف در تحلیل روایت» نیز مشاهده خواهیم کرد، فرایند برجسته‌سازی خصوصاً در عنصر «درآمد» و «جهت‌دهی» الگوی روایی لبوف نقشی اساسی ایفا می‌کند (لبوف و والتزکی، ۱۳۸۷). به طوری

که می‌توان در تحلیل روایی اخبار از فرایندهای برجسته‌سازی بهره جست. (رجوع شود به بخش تحلیل روایت در الگوی لبوف)

روش‌شناسی؛ شیوه تحلیل روایت در اخبار

با بیان بعضی نظریات پیرامون تاثیر رسانه‌ها و نقش انحصاری اخبار در این مقاله، این نتیجه حاصل شده است که فرایند تولید و انتشار اخبار در رسانه‌های غربی از ساز و کارهای خاصی برخوردار است که در برجسته‌سازی و روایت خاص اخبار از نگاه این رسانه‌ها نهفته است. از این رو، مطالعه متون تولیدی این رسانه‌ها می‌تواند بهترین راه برای شناخت و نمایش فرایندهای انحصاری جریان خبر در این رسانه‌ها محسوب شود.

در مطالعات فرهنگی و ارتباطی، «مطالعه متن» از اهمیت وافری برخوردار بوده است. در نتیجه، مطالعه متون ارتباطی در چند دهه اخیر مهمترین موضوع مطالعات این رشته بوده است. شروع این روش‌های مطالعاتی متون ارتباطی را می‌توان از روش‌های کمی «تحلیل محتوا» و سپس تحلیل کیفی محتوا دانست و در ادامه روش کیفی، ما شاهد روش‌های همچون تحلیل گفتمان، تحلیل معنا و تحلیل روایت با رویکردهای زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و مطالعات ادبی هستیم. به طوریکه بسیاری از صاحب‌نظران عرصه روش‌شناسی، از تحلیل گفتمان، معنا و روایت به عنوان تکامل روش‌های کیفی تحلیل محتوا یاد می‌کنند (بشیر، ۱۳۸۴). هرچند که اولین بار تحلیل محتوا، برای بررسی اخبار و گزارش رسانه‌های مکتوب همچون روزنامه و برای تحلیل پیام‌های سیاسی مورد استفاده قرار گرفت (رایف، ۱۳۸۱). اما در سالهای اخیر، استفاده از روش‌های کیفی از اقبال قابل توجهی در میان پژوهشگران برخوردار بوده است. زیرا روش‌های کمی تحلیل محتوا تاکید فراوانی بر «توصیف آماری» پیام‌های رسانه‌ای دارد و مانند دیگر

روش‌های پوزیتویستی در علوم اجتماعی، همچون «پیمایش»، از قواعد و آمار ریاضی پیروی می‌کند (سلیمانی، ۱۳۸۸). این مسئله موجب شده است که زمان انجام تحقیقات طولانی گردد. ضمن اینکه نتایج بدست آمده از روش‌های کمی، تنها آماری از پیام‌ها ارائه می‌کند و نقش تحلیل در این زمینه دچار تضعیف می‌گردد. از سوی دیگر، استفاده از پژوهش‌های کیفی در مطالعات موردی، روشی معقول به نظر می‌رسد که می‌توانند محقق را در تحلیل موردی متن مورد مطالعه یاری رسانده و گرفتار محدودیت‌های متعدد روش‌های کمی نسازد. از آنجا که این پژوهش نیز قصد مطالعه موردی یک «موضوع خبری» در یک رسانه خاص را نیز دارد، بنابراین استفاده از روش‌های کیفی تحلیل متون مورد توجه قرار گرفته است. زیرا روش‌های کمی همچون تحلیل محتوا می‌تواند تنها به شمارش «موضوعات فرهنگی» یا خبری پردازد (Stokes, ۲۰۰۳). از طرف دیگر، ساختار روایی اخبار و گزارش‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که برداشت هر رسانه‌ای از هر واقعه‌ای بر اساس سیاستها و ساختارهای روایی خاص آن رسانه است. همانطور که «بژه» نیز تاکید می‌کند که «یک حکایت ممکن است چندین روایت داشته باشد. کسی که تجربه‌ای را زیسته است می‌تواند روایت تجربه شخصی‌اش را بازگو کند» (بژه، ۱۳۸۸: ۳۵). از این رو ما شاهد روایت‌های مختلفی از یک موضوع خبری در رسانه‌ها هستیم. مطالعه ساختار روایی داستان‌پردازی گزارش‌های خبری رسانه‌ها می‌تواند ما را در تحلیل مناسبات موجود در قدرت و مالکیت رسانه‌ها در جهان یاری سازد.

«در تحلیل روایت، تمام یک متن موضوع تحلیل است و بر روی ساختار داستان یا روایت تمرکز می‌شود» (Stokes, ۲۰۰۳: ۶۸) و هر پدیده پیرامونی بشر به نوعی از روایت بهره جسته است. در واقع می‌توان گفت که «روایت، تنها به آثار تخیلی و هنری محدود نمی‌گردد. رسانه‌های خبری نیز به روایت می‌پردازند و ساختار اخبار بر محور داستان‌ها و عناصر داستانی و اجرای نمایش است...

روایت، از محصولات رسانه‌ها محسوب می‌شود... ضمن اینکه ما جهان را از طریق روایت کردن آن تفسیر می‌کنیم. روایت، ایدئولوژی یک فرهنگ را نیز منتقل می‌کند و یکی از ابزارهای ترویج و تکثیر ارزشها و ایده‌آل‌ها به صورت فرهنگی است. به همین دلیل، از تحلیل روایت، غالباً برای کشف مقصود ایدئولوژیک یک اثر یا متن استفاده می‌شود» (Stokes, 2003: 70). از این رو است که تحلیل روایت اخبار یک رسانه، محملی برای ساز و کار تولید فرهنگی و ایدئولوژیک مالکین آن محسوب می‌شود. هرچند در این روایت، عوامل دیگری مانند نوع نگاه خبرنگاران و تحریریه و یا ساخت خود واقعیت نیز مؤثر باشد، اما آنچه مجال انتشار وسیع و گسترده می‌یابد، ایدئولوژی حاکم بر رسانه متبوع خبرنگار است. هرچه یک روایت خاص از یک واقعیت در رسانه‌ها گسترده‌تر باشد، نمایش انحصار رسانه‌ای موجود بارزتر است. هرچند این روایت خاص در «جزئیات عناصر داستانی» متفاوت باشد، اما از ساختار روایی یکسانی برخوردار است و یک ایدئولوژی خاص در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد.

تحلیل روایت در الگوی لبوف

«ویلیام لبوف»، زبان‌شناس ساختارگرا از هم‌نشینی شش عنصر اصلی در ساختار کلی روایت‌ها سخن می‌گوید و با استفاده از آنها به تحلیل می‌پردازد (لبوف و والتزکی، ۱۳۸۷). هرچند همه روایت‌ها، لزوماً همه این عناصر را ندارند، اما این ساختار در بیشتر روایت‌ها قابل مشاهده است. وی معتقد است که ابتدا روایت با «درآمد» آغاز می‌شود که خبر از وقوع اتفاق خاصی می‌دهد. «درآمد شروع یک داستان را خبر می‌دهد» (Esterberg, 2001: 183). در واقع، درآمد گذشته از آنکه آغاز داستان را نهیب می‌زند، نوع آن را نیز مشخص می‌کند و همچنین نوع منطقی روایت را در دل خود دارد؛ حال اگر بین این منطق و

روایتی که خواهد آمد، همسازی و همگونی نباشد، تناقضی روی خواهد داد که مخاطب را سردرگم خواهد کرد (رضاپور، ۱۳۸۸). پترسون نیز تاکید می‌کند که «این گزینه بستگی به زمینه یا فرامتنی دارد که داستان در آن رخ داده است» (Patterson, ۲۰۰۸: ۲۵) که شاید روایت‌گر به روایت آن نپردازد.

اما لبوف، پنج عنصر دیگر ساختار کلی روایت‌ها را که بر این اساس هم به تحلیل می‌پردازد را شامل موارد «جهت‌دهی»، «پیچیده کردن»، «ارزیابی»، «گره‌گشایی» و «کودا یا بند نهایی» می‌داند (لبوف و والتزکی، ۱۳۸۷).

در «جهت‌دهی»، کارکردهای ارجاعی روایت بررسی می‌شود. در واقع، چهار کارکرد «فرد»، «زمان»، «مکان» و «موقعیت‌های رفتاری»، کارکردهای جهت‌دهنده در ساختار روایی متون محسوب می‌شود. لبوف تاکید می‌کند که «جهت‌دهی اغلب بوسیله جملات و عبارات داخل بندهای روایت انجام می‌شود» (همان: ۱۰۴). هرچند معتقد است که «همه روایت‌ها جهت‌دهنده ندارند و همه جهت‌دهنده‌ها هم این چهار کارکرد را ندارند» (همان: ۱۰۳). در هر صورت عنصر جهت‌دهی، نقش «آشنایی» مخاطب با فضای روایت را ایفا کرده و اطلاعاتی در اختیار وی قرار می‌دهد تا بتواند موقعیت داستان، زمان، مکان و شخصیت‌های درگیر در ماجرا را در ذهن خود متصور شود.

عنصر «پیچیده کردن» و یا به عبارتی «گره‌افکنی»؛ عنصر اصلی بوجود آورنده و ادامه دهنده روایت است. گره افکنی، معمولاً به شکلی ناگهانی در داستان ظاهر می‌شود و مخاطب را برای دانستن تاثیر آن اتفاق، حریص می‌کند. عموماً نیز به کشمکش یا تعارض منجر می‌گردد؛ این تعارض ذهنی، جسمی، اخلاقی و عاطفی است. بدون پیچیده‌کردن، راهی برای پرداخت داستان وجود ندارد (رضاپور، ۱۳۸۸). لبوف تاکید می‌کند که مفهوم «توالی» نقش مهمی در عنصر پیچیده‌کردن دارد. زیرا «رشته بلندی از رویدادها از چند چرخه روایت‌های ساده

و تعداد زیادی روایت پیچیده‌کننده تشکیل شده است» (لبوف و والتزکی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

اما عنصر «ارزیابی» در روایت، مهمترین عنصر یک روایت است. زیرا یک روایت بدون عنصر ارزیابی، روایتی ناقص، غیرقابل فهم و مبهم است. زیرا روایت در پاسخ به یک «نیاز مخاطب» شمایل می‌گیرد. در واقع، «روایت‌ها معمولا در پاسخ به برخی محرک‌های بیرونی و برای بیان برخی علاقه‌مندی‌های شخصی ادا می‌شوند» (همان: ۱۰۷). به عبارت دیگر، ارزیابی به این نکته می‌پردازد که چرا یک واقعه به روایت تبدیل شده و چرا برای مخاطب دارای اهمیت است. طبیعی است که اگر مسئله برای مخاطب اهمیتی نداشته باشد، از کنار آن گذر خواهد کرد. در این صورت است که می‌توان گفت که عنصر ارزیابی در روایت با آنچه که در روزنامه‌نگاری «ارزش‌های خبری» خوانده می‌شود، مطابقت دارد. ارزش‌های خبری شامل «دربرگیری»، «شهرت»، «برخورد، اختلاف و درگیری»، «استثنا و شگفتی»، «بزرگی و فراوانی تعداد و مقدار»، «مجاورت» و «تازگی» است (شکرخواه، ۱۳۸۱). در واقع اخباری که دارای ارزش خبری نباشد، منتشر نخواهد شد. می‌توان گفت که عنصر ارزیابی در روایت اخبار را می‌توان با توجه به ارزش‌های خبری سنجید. ارزش‌هایی که در بعضی مواقع، توسط رسانه‌ها و به دلیل برجسته‌سازی برای مخاطبان ایجاد شده است.

«گره‌گشایی» یک روایت نیز «آن بخش از توالی روایت است که پس از ارزیابی می‌آید» (لبوف و والتزکی، ۱۳۸۷: ۱۱۶) و پیچیدگی‌هایی که پیش از این در روایت بوجود آمده است، رمزگشایی می‌گردد. در واقع مخاطب خواهد دریافت که در پایان نهایی روایت با چه نتیجه‌ای روبرو خواهد شد. گره‌گشایی در عناصر روایت از نظرگاه لبوف را می‌توان با کمی اغماض متناظر مفهوم «رمزگشایی» از «استوارت هال» نیز دانست. هال در نظریه خود با عنوان «رمزگذاری و رمزگشایی» بیان می‌کند که متون فرهنگی هنگامی برای مخاطبان معنا می‌دهند که

توسط مخاطبان رمز‌گشایی شوند. هرچند که این رمز‌گشایی و استخراج معنا، ضرورتاً با معنای مورد نظر تولیدکننده یکسان نباشد (هال، ۱۳۸۷). در این صورت می‌توان عنصری که لبوف از آن به عنوان «پیچیده‌کردن» سخن رانده است را متناظر مفهوم «رمز‌گذاری» نظریه هال دانست.

در پایان نیز لبوف از عنصری با عنوان «کودا» یا «بند نهایی» نیز سخن می‌گوید که خبر از پایان داستان می‌دهد. البته لبوف تأکید می‌کند که لزوماً همه روایت‌ها با این عنصر به پایان نمی‌رسند و بعضی با گره‌گشایی خاتمه یافته تلقی می‌شوند. اما آنچه که بند نهایی را از گره‌گشایی متمایز می‌سازد، عنصر «زمان» است. در حقیقت، روایت‌ها لزوماً بر زمان حال منطبق نیستند و شاید با گره‌گشایی در مورد زمان گذشته پایان یابند. اما کودا «یک ابزار کارکردی برای بازگرداندن نگاه کلامی به زمان حال است» (لبوف و والتزکی، ۱۳۸۷: ۱۱۶) و در روایت‌های خبری می‌توان آن را نوعی هشدار نویسنده خبر و رسانه متبوعش به مخاطب دانست. با کمی تأمل در بند نهایی روایت که در ارتباط با زمان حال مطرح می‌شود، می‌توان از گرایش‌های یک رسانه در تولید و انتشار اخبار نیز مطلع شد. زیرا اگر رسانه از عهده ایجاد روایتی باورپذیر برای مخاطبان خود برآمده باشد، از بند نهایی روایت خود نیز برای تأکید بر آنچه منتشر ساخته، بهره خواهد جست. هرچند بهره‌نجستن از بند نهایی در ارائه روایت، باعث نمایش بی‌طرفی در مقابل دیدگان مخاطبان است. در این صورت روایت خبر باید به گونه‌ای صورت پذیرد که بند نهایی در میان عناصر دیگر روایت تکرار و بر آن تأکید گردد. از این رو است که محقق در پژوهش‌های روایی باید تمام تلاش خود را معطوف به بازشناسی تکنیک‌های یک روایت‌گرداند و محو داستان نگردد. بنابراین باید مدام روایت را قطع کرده و به تحلیل پرداخت. زیرا یک روایت خوب همواره از مکانیسم‌های نهان بهره می‌جوید تا از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار گردد.

تحلیل روایت برنامه های کوک، صفحه دو، آپارات

• برنامه کوک

الف) در آمد روایت

مجری برنامه کوک در هفته های متوالی پخش این برنامه تلاش دارد نشان دهد که جوانان ایرانی این استعداد را دارند تا در عرصه موسیقی پا به پای غرب پیشرفت کنند و حتی برنده جایزه بهترین موزیسین سال شوند، اما این امر محقق نمی شود.

ب) جهت دهی

جهت دهی در روایت، نقش آشنایی مخاطب با موضوع خبری را دارد و به موقعیت داستان، زمان، مکان و شخصیت های درگیر در ماجرا پرداخته می شود. در این صورت است که مخاطب، اطلاعات زمینه ای مناسبی پیرامون داستان خبری دریافت می کند تا نسبت به روایت پیش رو بیگانه نباشد. در یک روایت خبری، موضوعات مشابه با داستان می تواند نقش جهت دهی را به خوبی ایفا کند. مجری برنامه دلیل اصلی عدم پیشرفت جوانان ایرانی در عرصه موسیقی را نبود آزادی فعالیت در ایران می داند و این عامل را موجب یاس و ناامیدی در بین جوانان ایرانی معرفی می کند وی اثبات این امر را از طریق تکنیک الگوسازی و تکنیک شلوغ نمایی و تمرکز بر مخاطب جوان به انجام می رساند.

ج) پیچیده کردن

عنصر «پیچیده کردن» و یا به عبارتی «گره‌افکنی»؛ عنصر اصلی ادامه دهنده روایت است که مخاطب را در پیگیری داستان حریص می‌کند. بی‌شک، داستانی که از ساختاری ساده و معمولی برخوردار باشد، کمتر مورد توجه قرار خواهد گرفت. در اخبار نیز، خبری ادامه‌دار خواهد بود که از پیچیدگی‌های داستانی نیز برخوردار باشد. در برنامه مذکور نیز ما شاهد مسائل مختلفی هستیم که داستان را جذاب‌تر می‌سازد. به عنوان مثال با پخش گزارش‌هایی از عزم بالای جوانان ایرانی سخن می‌گوید که علی‌رغم محدودیت‌ها و مجازات‌های سنگین بازهم به فعالیت خود ولو به صورت زیرزمینی ادامه می‌دهند. مجری بر این امر تاکید می‌کند که مقاومت مردم و جوانان نظام را بارها وادار به عقب نشینی کرده است تا جایی که بسیاری از ادوات موسیقی که در ابتدای انقلاب ممنوع و حرام شناخته شده بود، پس از چندی مجاز اعلام شد؛ به عنوان نمونه به طور متناوب با نمایش ویدئو موزیک‌های ایرانی از موفقیت جوانان ایرانی در غرب و تسریع پیشرفت در آن کشورها سخن می‌گوید و معتقد است برای پیشرفت در این عرصه باید تمامی مرزهای مذهبی و اسلامی را پشت سر گذاشت و از فضای یاس و ناامیدی در ایران باید به دنیای سراسر نشاط و شادی غرب پیوست.

د) ارزیابی

همانطور که پیش از این نیز گفته شد، ارزیابی به این نکته می‌پردازد که چرا یک واقعه به روایت تبدیل شده و چرا برای مخاطب دارای اهمیت است. مسئله‌ای که در روزنامه‌نگاری «ارزش‌های خبری» خوانده می‌شود. هرچه یک داستان، ارزش‌های خبری بیشتری را شامل شود، بی‌تردید مخاطبان آن هم افزایش خواهد یافت. از این رو است که راوی داستان خبری سعی می‌کند که

روایت خویش را به گونه‌ای تحریر کند که از نظر اقشار متعددی مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به این بستر و زمینه می‌توان در تبیین برنامه فوق‌اینگونه اظهار داشت که هرچند این رسانه مخاطبان خود را آشکارا معرفی نمی‌کند اما رصد موضوعات برنامه‌ها و مخاطبان هدف این برنامه و مشارکت‌کنندگان برنامه‌ها نشان می‌دهد، جمعیت آماری اصلی مورد نظر این رسانه جوانان و نسل سوم هستند. گفتمان حاکم بر برنامه نمی‌تواند در جهت حفظ وضع موجود باشد بلکه سعی دارد ابتدائاً استعداد جوان ایرانی را در رقابت با دیگر کشورها در عرصه موسیقی نشان دهد اما عواملی چون نبود آزادی، محدودیت‌های قانونی، احکام دین منجر به یاس و ناامیدی جوان ایرانی خواهد شد. به عنوان مثال در برنامه مورخ ۸۸/۸/۲۲ مجری مصاحبه‌ای را با یکی از موزیسین‌های ایرانی که به تازگی به خارج کشور مهاجرت کرده ترتیب می‌دهد و از مشکلات و موانع موجود در ایران و میزان موفقیتش در خارج از کشور سوال می‌پرسد. مجری از این گزارش اینگونه نتیجه می‌گیرد که «جوان ایرانی برای رسیدن به قله‌های پیشرفت یا بایستی مقاومت کند و یا مهاجرت».

ه) گره‌گشایی

اما چه چیزی باعث شده است که این حجم انبوه اطلاعات و اقدامات در مورد این داستان تولید و این مسئله این‌گونه روایت شود. پاسخ را می‌توان در عنصر گره‌گشایی روایت خبری برنامه کوک دریافت. مسئله‌ای که در میان گزارشها و خبرها بارها تکرار شد و به نظر می‌رسد داستان را فراتر از موضوع محدودیت موسیقی قرار می‌دهد. در گره‌گشایی مخاطب خواهد دریافت که در پایان‌نهایی روایت به دنبال چه نتیجه‌ای است.

۱. افزایش فشارهای بین‌المللی: همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، داستان به طریقی بیان می‌شود که تمامی نهادهای مدنی بین‌المللی در مقابل ایران قرار گیرند. هرچند بسیاری از این نهادها کاملاً در اختیار قدرت‌های سلطه است.

۲. بهانه برای ادامه تحریم‌های اقتصادی: شاید عجیب به نظر برسد. اما در متن بعضی از خبرهای مربوط به موضوع مورد تحلیل، مستقیماً ایران مورد تهدید ادامه تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته است و یا در جایی دیگر با ذکر مخالفت‌های ایتالیا در زمینه محدودیت موسیقی، به مسائل اقتصادی دو کشور پرداخته شده است.

۳. تحت تاثیر قراردادن روابط ایران با دیگر کشورها: درست در زمانی که ایران در توافق با برزیل و ترکیه بر سر پرونده هسته‌ای به موفقیت‌هایی نائل شد، کشورهای غربی سعی کردند که با هر ابزاری به کارشکنی در این زمینه بپردازند. «در جریان مبارزات انتخاباتی، برخی نامزدهای مخالف دولت برزیل، حکومت ایران را به خاطر آنچه که نادیده گرفتن حقوق مدنی، سرکوب مخالفان، دگراندیشان و منتقدان خوانده شده، هدف انتقاد شدید قرار داده و با برشمردن هزینه روابط با حکومت ایران برای اعتبار جهانی برزیل، گفته اند در صورت پیروزی در انتخابات، سیاست کشور خود نسبت به جمهوری اسلامی را تغییر خواهند داد.» (بی بی سی فارسی، ۲۶ مرداد ۸۹)

و) کودا یا بند نهایی

کودا یا بند نهایی، بازگشت داستان به زمان حال است و نوعی هشدار محسوب می‌شود که به اعتقاد لبوف، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و داستان با

گره‌گشایی ختم می‌شود. اما در مورد جریان های خبری مانند برنامه کوک می‌توان گفت که این هشدار را می‌توان در لایه پنهانی داستان دید. بدین معنی که گره‌گشایی در این برنامه، نهایت داستان نیست. زیرا پایانی را در مسئله تقابل ایران و غرب، حتی برای مخاطبان نمی‌توان متصور شد. اما کودای این داستان را می‌توان در این جمله خلاصه کرد که «اگر ایران به همکاری با کشورهای غربی پرداخته و منافع و نظر آنان را تامین گرداند، احتمالاً هرگز چنین روایت‌هایی صورت نخواهد گرفت».

• برنامه صفحه دو

الف) درآمد روایت

گفتمان غالب این برنامه راجع به مسائل روز سیاسی با تکیه بر خرده فرهنگ هاست. این برنامه با تاکید بر برجسته سازی مشکلات خرده فرهنگ‌ها در جامعه ایران که شامل اقلیت های قومی و مذهبی می‌باشند تولید شده است. زمینه و بستر اجتماعی و سیاسی و فرهنگی که این برنامه در آن زمینه شکل گرفته است همزمان است با انفجارهای سیستان و بلوچستان و افزایش مالیات بازاریان.

ب) جهت دهی

مجری برنامه با استفاده از تکنیک اعتبار منبع (استفاده از اندیشمندان، محققان و کارشناسان صاحب نام و مشهور)، به بررسی مسائل این حوزه می‌پردازد. در این برنامه مدعوین دو مشخصه دارند: یکی اینکه از چهره های مهم دانشگاهی و پژوهشی هستند و دوم اینکه از کارشناسانی که به طور مدام در بخش تحلیلی خبرهای بی بی سی حضور دارند و به لحاظ حضور مداوم و فعالیت در شبکه،

جزو کارشناسان و متخصصان هستند استفاده می‌کند. از اینرو مخاطب به طور تلویحی، علمی و تخصصی بودن برنامه را می‌پذیرد.

ج) پیچیده کردن

عنصر «پیچیده کردن» و یا به عبارتی «گره‌افکنی»؛ عنصر اصلی ادامه دهنده روایت است که مخاطب را در پیگیری داستان حریص می‌کند. موضوع برنامه های واکاوی شده مورخ ۱۲ و ۲۶ مهر سال ۸۸ عبارتند از: «بررسی انفجارهای صورت گرفته در مناطق مرزی» و «افزایش ۷۰ درصدی مالیات بازاریان توسط دولت». محورهای این برنامه‌ها عبارتند از: کاهش دادن موضوع انفجار به سطح مشکلات داخلی و پاک کردن صورت مساله در خصوص دخالت بیگانگان، بی توجهی نظام به اقلیت های قومی و مذهبی، نبود آزادی بیان واقعی برای مردم ایران برای ابراز مسائل حوزه خود، رای مردم در انتخابات صوری و بی تاثیر بودن آن در تعیین سرنوشت، برخورد ایدئولوژیک و امنیتی بعد از پیروزی انقلاب با اهل تسنن و در موضوع بازاریان به مسائلی چون عقب نشینی دولت از تصمیم خود در راستای ترس از تبدیل شدن به بحران، ناموفق بودن دولت در کنترل و مهار بیشتر بازار، تلاش دولت برای کاهش نقش و تاثیرگذاری بازار بر تحولات سیاسی داخلی می‌باشد.

د) ارزیابی

با توجه به این بستر و زمینه می‌توان در تبیین برنامه فوق اینگونه اظهار داشت که گفتمان حاکم بر برنامه بر نقش بسیار مهم اقلیت های قومی و مذهبی در حیات جمهوری اسلامی اشاره دارد، تولید برنامه هایی در زمینه استقلال طلبی کردستان عراق و رفاه و آسایش حاصله پس از آن با استفاده از تکنیک تضاد به نوعی آن را در برابر شرایط فعلی مردمان این مناطق قرار می‌دهد و به بسط و

گسترش گفتمان استقلال طلبی در جامعه می‌پردازد. این بحث مدتی پس از اعتراض مردم کردستان به محرومیت‌ها و افزایش بیکاری در این استان شکل گرفت که مجری برنامه تنها راه حل پیش رو برای مردم این استان را عدم حضور در صحنه های اجتماعی چون انتخابات به دلیل عدم تاثیر گذاری و در گام بعدی استقلال از ایران و پیوستن به کردستان عراق و ترکیه می‌داند.

ه) گره‌گشایی

در گره‌گشایی مخاطب خواهد دریافت که در پایان نهایی روایت به دنبال چه نتیجه‌ای است. اهداف مد نظر در برنامه صفحه دو به شرح ذیل است؛

۱. نادیده گرفته شدن حقوق اقلیت های قومی و مذهبی در ایران
۲. عدم رضایت بازاریان از سیاست های اقتصادی دولت
۳. مقاومت تنها راه عقب نشینی دولت
۴. ترویج روحیه استقلال طلبی مناطق مرزی خصوصا کردستان عراق

و) کودا یا بند نهایی

کودا یا بند نهایی، بازگشت داستان به زمان حال است. در برنامه های صفحه دو با مرور دوباره مشکلات و معضلات مردم ایران تنها راهکار خروج از این مشکلات را عدم حضور مردم در انتخابات عنوان می‌کند.

• برنامه آپارات

الف) درآمد روایت

برنامه آپارات شبکه بی بی سی فارسی پنجره ای است برای نمایش فیلم های مستند فارسی زبانانی که چنین امکانی در داخل کشورشان وجود ندارد و ضمناً این برنامه این امکان را به تماشاچیان خارج از کشور داده است که بدانند در داخل ایران چه می گذرد. این برنامه ۵۰ دقیقه ای یکی از ارزانتترین برنامه های شبکه تلویزیونی بی بی سی فارسی است، تهیه این برنامه با مبلغ ناچیزی که این شبکه به این فیلمسازان می دهد صورت می گیرد مضاف بر اینکه نمایش این مستندها از دریچه بی بی سی هرچند با قیمتی اندک برای یک مستندساز کم تجربه بسیار ارزشمند خواهد بود، اگرچه بی بی سی فارسی برخی مستندهایی را که از لحاظ فنی و محتوایی در سطح نسبتاً بالایی هستند به دیگر بخش های بی بی سی می فروشد.

در واقع، بی بی سی با اشاره پخش مستندهای انتقادی به «درآمد روایت» خود پرداخته است و به مخاطبان خود تاکید می کند که واقعه در حال رخداد است و به آن باید توجه کرد. البته نکته قابل ذکر دیگر در مورد این برنامه وجود دارد و آن عناصر دیگر روایی در ساختار گزارشی مستندهای بی بی سی است. زیرا این بنگاه، هرگز در خبرهای خود تنها به اصل واقعه اشاره نمی کند. بلکه سعی می کند که با ذکر «پیشینه خبری»، گزارشی داستان گونه از واقعه منتشر سازد. در این مستندها نیز مخاطب با انبوهی از اطلاعات از «نقض حقوق بشر در ایران» روبرو است که نقش «جهت دهی» و «پیچیده کردن» روایت خبری جدید را بر عهده دارد.

۱۰۲

نصائح مطالعات
قدرت نرم

سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱

ب) جهت دهی

با مطالعه متون مستندهای تولیدی برنامه مورد مطالعه نیز می‌توان موارد ذیل را مشاهده کرد:

۱. تاکید بر عدم رعایت حقوق بشر در ایران: تقریباً در تمامی خبرها و گزارش‌های منتشره بر عدم رعایت حقوق بشر تاکید شده است و مواردی همچون عدم رعایت حقوق «هم‌جنس‌گرایان» و «بهائیان» به عنوان شاهد مثال ذکر شده است.

۲. بیان تحریف‌آمیز احکام اسلامی: فضای داستان باید به گونه‌ای ترسیم شود که مخاطبان از روایت تاثیر بپذیرند. از این رو، در اکثر مستندها راوی به ذکر تحریف‌آمیز بعضی از احکام اسلامی می‌پردازد تا حقانیت خویش را اثبات سازد. به عنوان نمونه در یکی از مصاحبه‌های پیرامون پرونده خانم میم-الف که اتهام زنای مصححه وی اثبات شده، مصاحبه‌شونده مدعی می‌شود:

«احکامی هستند که می‌توان آنها را تغییر داد. ما در اسلام برده داری هم داریم، اما الان برده داری وجود ندارد. خیلی از موارد بوده که در گذشته وجود داشته، ولی الان نیست.» (بی بی سی فارسی، ۲۹ مرداد ۸۹)

این در حالی است که در اسلام هرگز چنین چیزی وجود نداشته است و مسئله «غلام و کنیز» نیز در مورد کافرانی است که در جنگ با مسلمین به اسارت درآمده‌اند که آن هم احکام و شرایط خاص خود را داشته است و شباهتی با برده‌داری پیش از اسلام ندارد.

و یا در جای دیگری از قول «لوی» فیلسوف فرانسوی، «زنده سوزاندن افراد» را از احکام اسلام معرفی می‌کند:

«اگر ما این انسان بی گناه (خانم میم-الف) را نجات دهیم، به نجات همه زنان دیگری که در دالان های مرگ منتظر هستند کمک خواهیم کرد، و انتقام کسانی را خواهیم گرفت که با سنگسار اعدام شده اند یا زنده سوزانده شده اند.» (بی بی سی فارسی، ۶ شهریور ۸۹)

همچنین در مستند «زنان در کفن» با انتقاد از اجرای احکام قصاص و اعدام علیه زنان و همچنین حکم سنگسار که در قانون ایران مدت هاست اجرا نمی شود با این سوال ذهن مخاطب را درگیر می کند که «می گویند سنگ اول را باید کسی بزند که گناه نکرده باشد. ولی چه کسی است که باور داشته باشد که در زندگی اش گناه نکرده است؟ اصلاً چه کسی می تواند سنگ بردارد و به انسانی که دست و پایش بسته است بزند؟»

البته در برابر این ادعای عجیب، بی بی سی در توضیح این نقل قول مدعی شده است که «سوزاندن به طور رسمی در ایران انجام نمی شود». این توضیح تنها می تواند این معنا را داشته باشد که سوزاندن در ایران وجود دارد، اما به طور رسمی اعلام نمی گردد. این در حالی است که چنین سخنی در میان ایرانیان و مسلمانان تازگی دارد و پیش از این، هرگز چنین ادعایی مطرح نشده است. اما اضافه شدن این ادعا، جذابیت داستان را افزوده است و مخاطب با مسئله جدیدی مواجه می شود.

این در حالی است که صحت این ادعا دچار تردید است و از سوی دیگر، کشورهایی همانند عربستان سعودی - که مداوماً تحت حمایت کشورهای غربی است - در این میان بی نصیب نمانده است.

ج) پیچیده کردن

در اغلب مستندهای تولید شده معضلاتی همچون استعمال دخانیات و مواد مخدر، فساد در میان دختران و زنان، نبودن آزادی بیان برای زنان و فعالیت های آنها در حوزه هنر و سینما در ایران، بحث مهاجرت و به بن بست رسیدن کشور، با استفاده از تکنیک همنشینی و جانشینی سوم شخص در روایت فیلم و همذات پنداری با مسائل زنان نشان داده می شود. به عنوان مثال در برنامه مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ با عنوان «زن، نور و نقاشی» فیلم بیش از آن که درباره نقاشان باشد، درباره زندگی زن امروز در جامعه ایرانی است و تصویری می دهد از این وضعیت در لایه های گوناگون اجتماعی و مذهبی. در فیلم «وخلقت بود» زنان هنرمند و نقاش با صراحت از مسائل و مشکلات خود و نقش هنر و نقاشی در جامعه صحبت می کنند و در مقابل با نمایش زنان خارج کشور و موفقیت های آنان به نوعی گفتمان مهاجرت را در بین زنان داخل کشور گسترش می دهد.

د) ارزیابی

همانطور که پیش از این نیز گفته شد، ارزیابی به این نکته می پردازد که چرا یک واقعه به روایت تبدیل شده و چرا برای مخاطب دارای اهمیت است. مسئله ای که در روزنامه نگاری «ارزش های خبری» خوانده می شود. هرچه یک داستان، ارزش های خبری بیشتری را شامل شود، بی تردید مخاطبان آن هم افزایش خواهد یافت. از این رو است که راوی داستان خبری سعی می کند که روایت خویش را به گونه ای تحریر کند که از نظر اقشار متعددی مورد توجه قرار گیرد.

۱. تحریک حس عاطفی مخاطبان: در مستندهای منتشره در مورد پرونده

میم، یک جمله برای معرفی متهمه تکرار شده است: «سین.میم.الف»، ۴۳

ساله و مادر دو فرزند». این مسئله بدون استثنا در تمامی خبرها ذکر شده که متهمه نسبتاً خانم جوانی است و از همه مهمتر؛ وی مادر دو فرزند است. به عبارت دقیق‌تر، این مسئله بارها در اخبار تأکید شده و قطعاً این مسئله، ملکه ذهن مخاطبان خبر شده است. به نظر شما زنی که دو فرزند دارد، نمی‌تواند خلافی مرتکب شود؟ قطعاً این طور نیست. اما با تحریک حس عاطفی مخاطبان این مسئله القا خواهد شد که وی فردی خانواده‌دار است و هرگز نمی‌تواند خلافی مرتکب گردد. ضمن اینکه در بسیاری از گزارش‌ها، از فرزند خانم میم نیز نقل قول‌هایی مبنی بر کمک‌های بین‌المللی منتشر می‌شود:

«برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که س. ق، فرزند خانم س. میم. الف، رسماً از پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کلیسای کاتولیک، و دولت ایتالیا درخواست کرده است برای نجات جان مادرش از مرگ تلاش کنند.» (بی بی سی فارسی، ۱۶ شهریور ۸۹)

در گزارش‌های دیگر همچنین تأکید شده است که فرزند متهمه، مادر خود را بی‌گناه می‌داند. در حالی که وی متهم به قتل شوهرش (پدر فرزند) است. می‌توان گفت که با بیان استمداد فرزند متهمه، مخاطبان بار دیگر تحت تأثیر مسائل عاطفی این داستان قرار خواهند گرفت. مسئله فرزندان خانم میم، به شکل‌های دیگری نیز مطرح شده است:

«کمیته بین‌المللی علیه سنگسار پنجشنبه اعلام کرد: فرزندان م. س امروز نیز مانند هفته قبل موفق به دیدار مادرشان نشدند. مسئولین زندان به آنها اطلاع دادند که مادرشان ممنوع الملاقات شده است.» (بی بی سی فارسی، ۱۱ شهریور ۸۹)

۲. **تجمعات و مواضع تشکل‌های مدنی:** یکی از راه‌های ایجاد ارزیابی و اهمیت روایت برای مخاطبان، نشان دادن همراهی عموم است. آنچه که می‌تواند متضمن ارزش خبری «درب‌گیری» نیز باشد. در واقع، روایت با ذکر نمونه‌هایی هرچند کوچک از همراهی عده‌ای با موضوع داستان، به مخاطبان تاکید می‌کند که همانطور که این مسئله برای دیگران دارای «اهمیت» است، برای شما نیز مهم خواهد بود. به عنوان مثال در خبری با عنوان «تظاهرات در فرانسه در حمایت از زن محکوم به سنگسار در ایران» (۲۱ شهریور ۱۳۸۹)

ه) گره‌گشایی

با توجه به این بستر و زمینه می‌توان در تبیین برنامه فوق اینگونه اظهار داشت که جامعه هدف برنامه زنان ایرانی داخل کشور می‌باشند؛ این گفتمان در تلاش است سطوح نهادی قدرت از لحاظ ایدئولوژیک را یکی از عوامل اصلی وضعیت کنونی زنان معرفی کند و از سوی دیگر با برشمردن ویژگی‌های جامعه مدنی و مردم‌سالاری اصل آزادی را تنها در نوع پوشش زنان و آزادی در نوع رابطه با قشر مذکر بازنمایی کند و این عوامل را دلیل اصلی موفقیت زنان فرانسوی معرفی کند. در حقیقت این برنامه سعی دارد با بازنمایی سنت به عنوان یک عامل مانع پیشرفت هویت فعلی زن ایرانی را از وی گرفته و در عوض با بازنمایی بی‌حجابی این عامل را به عنوان نمودی از پیشرفت عنوان کند.

و) کودا یا بند نهایی

کودا یا بند نهایی، بازگشت داستان به زمان حال است و نوعی هشدار محسوب می‌شود که به اعتقاد لبوف، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و داستان با گره‌گشایی ختم می‌شود.

نتیجه‌گیری

از آنجا که وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماتیک مکانیسمی را برای دولت‌ها فراهم نموده تا با استفاده از آن به اعمال قدرت نرم در عرصه عمل اقدام ورزند، لذا تلاش این مقاله بر این بود تا با تحلیل روایت موضوعات اصلی برنامه‌های بی بی سی فارسی نشان دهد که چگونه موضوعات مختلف، برجسته‌سازی و با روایتی خاص منتشر می‌شود. در واقع می‌توان گفت که رسانه‌ها با تحریف، جابجایی و وارد کردن عناصر خارجی در یک داستان، آنگونه به روایت خویشتن از واقعیت می‌پردازند که منافع قدرت‌ها و تامین‌کنندگان مالی‌شان تامین گردد. شناخت و تحلیل جزئیات روایی یک داستان خبری می‌تواند در ارائه یک ساختار مناسب برای مقابله و ایجاد ابهام در روایت دیگران از واقعیت کمک شایانی کند.

تجربه این پژوهش کوتاه و تجربه‌های دیگر نگارنده نشان می‌دهد که در تقابل‌های رسانه‌ای، روایت طرفی پیروز ماجرا است که هم شناخت مناسبی از شیوه کلی روایی رسانه مهاجم داشته باشد و هم با تحلیل مرحله به مرحله انتشار یک روایت، ساختار مناسبی را برای تقابل با آن تدوین کند. در این صورت است که روایت رسانه‌ای متخاصم در عناصر خود دچار تناقض می‌گردد و مخاطبان خویش را سردرگم کرده و یا از دست خواهد داد.

در این مسیر بحثی که توسط تاریخ‌نویسان رسمی بی بی سی از جمله واکر درباره تقابل ادعای مخالفان بی بی سی درباره «یک آسمان دروغ بودن» برنامه‌های این شبکه در مقابل سیاست «یک آسمان آزادی» آنان اینگونه تفسیر می‌شود که سرویس جهانی بی بی سی نه به کلی آزادی است و نه به کلی دروغ بلکه اگر قرار باشد اعمال سیاست بریتانیا و تامین متافع دراز مدت این کشور صورت گیرد، این مساله با دروغ‌گویی همراه نخواهد بود.

در واقع بحث دیپلماسی عمومی بریتانیا بحث سیاست هماهنگی نهادهای

مختلف برای اهداف مختلف راهبردی و دراز مدت است و در این مسیر نباید متوقع بود که لحظه به لحظه فعالیت های نهادهایی همانند بی بی سی منطبق بر سیاست های اعلام شده دولتی بنماید.

۱۰۹
فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

فرایند برجسته سازی در بی بی سی فارسی؛ تحلیل روایت برنامه‌های کودک، صفحه دوه، آپارات

مجید سلیمانی ساسانی و همکاران



منابع

۱. اسکلیز، لزی (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی نظام جهانی*، ترجمه علی هاشمی گیلانی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲. بژه، دیوید.ام (۱۳۸۸) *تحلیل روایت و پیش‌اروایت؛ روش‌های روایی در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه حسن محدثی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۳. بشیر، حسن (۱۳۸۴) *تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها*، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. رایف، دانیل و دیگران (۱۳۸۱) *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران، سروش.
۵. رضاپور، آرش (۱۳۸۸) *درباره روایت*، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ به آدرس: <http://anthropology.ir/node/735>. تاریخ مراجعه: ۳ مهر ۱۳۸۹.
۶. سلیمانی، مجید (۱۳۸۸) «بازنمایی گفتمان‌های تجربه دینی در سینمای ایران بعد از انقلاب اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی اعظم راودراد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۷. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۴) *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. شکرخواه، یونس (۱۳۸۱) *خبر*، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۹. ضیائی پرور، حمید، (۱۳۸۶)، *جنگ نرم*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
۱۰. عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۷)، «بحران شناسی رسانه‌ای: رسانه قدرت نرم قرن ۲۱»، نشریه پژوهش‌های ارتباطی، سال پانزدهم، شماره ۵۵، (پاییز ۱۳۸۷): صص ۵۵-۸۰.

۱۱. لازار، ژودیت (۱۳۸۵) **افکار عمومی**، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشر نی.
۱۲. لیوف، ویلیام و والتزکی، جاشوا (۱۳۸۷) «**تحلیل روایت؛ نسخه‌های شفاهی از تجربه شخصی**» در نظریه‌های ارتباطات، جلد سوم، ویراستار انگلیسی پل کوبلی، سرویراستار فارسی سعید رضا عاملی، ترجمه از احسان شاه قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی.
۱۳. مولانا، حمید (۱۳۸۴) **ارتباطات جهانی در حال گذار؛ پایان چندگونگی؟**، تهران، انتشارات سروش.
۱۴. هال، استوارت (۱۳۸۷) «**رمزگذاری و رمزگشایی در تلویزیون**» در نظریه‌های ارتباطات، جلد ۴، ویراستار انگلیسی پل کوبلی، سرویراستار فارسی سعید رضا عاملی، ترجمه از گودرز میرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی.

منابع لاتین:

1. Esterberg, K (2001) **Qualitative Methods in Social Research**, London, McGraw-Hill Higher Education.
2. Patterson, W (2008) "**Narratives of events**" in **Doing narrative research**, Edited by Molly Andrews & etc, London, Sage.
3. Stokes, J (2003) **How to do Media and Cultural Studies**, London, Sage.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی